

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۲۱۸-۲۰۱

جایگاه حق سرگرمی در منظومه حقوق اخلاقی انسان از نگاه اسلام

سید عبدالله میرخندان^۱

چکیده

با پیشرفت فناوری و پدید آمدن سرگرمی‌های جدید و اهمیت یافتن سرگرمی در سبک زندگی انسان امروزی، سرگرمی به عنوان یک حق برای بشر و نه صرفاً یک فعالیت اختیاری مطرح شده است. اینکه سرگرمی از منظر اسلامی یک حق برای انسان محسوب می‌شود یا خیر و اینکه در صورت وجود این حق، جایگاه آن در منظومه حقوق اخلاقی انسان چیست، از اهمیت بسزایی برخوردار است. پژوهش حاضر، با روش توصیفی تحلیلی به دنبال روشن ساختن این جایگاه است.

در این پژوهش، این نتایج حاصل شد که از منظر اسلامی، سرگرمی یک حق در منظومه حقوق اخلاقی انسان محسوب می‌شود و این حق، یک حق فطری و از جمله حقوق طبیعی انسان است؛ بنابراین نیاز به سرگرمی یک نیاز توهمی و القایی نیست و ریشه در طبیعت انسان دارد و جایگاه آن تا جایی است که به مسئولیت‌های اساسی انسان، از جمله مسئولیت‌های کاری، اجتماعی، خانوادگی، سیاسی و در رأس آن‌ها مسئولیت‌های دینی آسیب نزنند و موجب تجدیدقوا برای این مسئولیت‌ها شود.

واژگان کلیدی

سرگرمی، حق سرگرمی، حق اخلاقی، حقوق اخلاقی انسان، سبک زندگی.

۱. سطح ۴ فقه و اصول، کارشناسی ارشد اخلاق کاربردی.

طرح مسأله

سرگرمی از نیازهای طبیعی بشر است که همواره در طول تاریخ با انسان همراه بوده است. امروزه نیز، شیوه سپری کردن اوقات فراغت، خود یک مقوله مهم و شاخصی در ارزیابی توسعه‌یافتگی جوامع محسوب می‌شود، به نحوی که یکی از دغدغه‌های بنیادین حکومت‌ها پر کردن اوقات فراغت مردم است (شهیدی، ۱۳۸۷: ۴۵). در همین رابطه علل میل روزافزون به سرگرمی‌ها را می‌توان در پیدایش سرگرمی‌های نو و مدرن، خلأها و کمبودهای زندگی صنعتی، افزایش اوقات بیکاری واکاوی کرد. این علل باعث به وجود آمدن نهضت‌های فراغت‌خواهانه شده‌اند. پیروان این نهضت‌ها معتقدند از جمله حقوق اولیه انسان، سرگرمی‌ها هستند^۱. هرچند به نظر می‌رسد حق پرداختن به سرگرمی در اسلام پذیرفته شده است؛ اما این گرایش روزافزون به سرگرمی‌های مدرن که عموماً مطلوب هم نیستند، از منظر اسلامی قابل نقد است. بر همین مبنای اخلاق اسلامی که زبانی جهان‌شمول دارد و هر انسان آزاده‌ای را مخاطب خود قرار می‌دهد در ترسیم جایگاه واقعی حق پرداختن به سرگرمی‌ها در منظومه حقوق انسان رسالتی خطیر دارد. بر این اساس سؤال و دغدغه اصلی این مقاله، این است که جایگاه حق سرگرمی در منظومه حقوق اخلاقی انسان از نگاه اسلام چیست؟ برای پی بردن به این جایگاه باید روشن شود که آیا از پایه، حق سرگرمی برای انسان، در اخلاق اسلامی وجود دارد؟ چنانچه این حق وجود داشته باشد، جزء کدام دسته از حقوق انسان محسوب می‌شود؟ جایگاه و اهمیت آن در منظومه حقوق اخلاقی از نگاه اسلامی به چه دلیل است؟ برخی شرایط برای اینکه سرگرمی‌های مدرن و متعارف امروزی، حق اخلاقی انسان محسوب شوند، چیست؟ در ادامه این مباحث به این سؤالات پاسخ داده می‌شود.

پیشینه

تلقی حق دانستن سرگرمی و بررسی جایگاه آن در کنار سایر حقوق انسان در عصر حاضر رخ داده است و بیشتر پژوهش‌ها در این زمینه به کلی عاری از دیدگاه‌های اسلامی و بیشتر دارای دیدگاه‌های جامعه‌شناختی هستند تا دیدگاه‌های اسلامی؛ تحقیق پیشرو با در نظر گرفتن دیدگاه اخلاق اسلامی در این زمینه، دارای جنبه نوآورانه است. برخی از پژوهش‌های صورت گرفته پیرامون حق سرگرمی عبارتند از:

۱. این نهضت در اوایل قرن نوزدهم توسط کارگران در اروپا و امریکا آغاز شد (رک به: هونیکوت به نقل از داریتی، ۲۰۰۸، ج ۴، ص ۴۰۸).

- کتاب «حق تنبل بودن»^۱ نوشته «پل لافارگ»^۲ (تألیف در ۱۸۸۰) که به گفته دومازدیه^۳ به طرفداری از زمان فراغت کارگران در اروپا، نوشته شده و اهمیت آن بدین جهت است که از نخستین تحقیقات در زمینه سرگرمی و اوقات فراغت در اروپا و پایه شکل‌گیری رشته جامعه‌شناسی فراغت، در این قاره است (دومازدیه، ۱۳۵۲: ۲۰).

- کتاب «نظریه طبقه تن‌آسا»^۴ نوشته «تورستین وبلن»^۵ (تألیف در ۱۸۹۹)؛ در جامعه زمان خود این تلقی از فراغت وجود دارد که پرداختن به فراغت نشانه شأن و منزلت ثروتمندان و حق آنان است. در این کتاب مؤلف به انتقاد از این تلقی می‌پردازد. به گفته دومازدیه اهمیت این کتاب به این جهت است که از نخستین تحقیقات در مورد اوقات فراغت در امریکا و پایه شکل‌گیری رشته جامعه‌شناسی فراغت در این کشور است (دومازدیه، ۱۳۵۲: ۲۰).

در برخی آثار معاصر نیز در خصوص دیدگاه اسلامی توضیحاتی داده شده است؛ اما این آثار، به صورت مستقل و مستوفی، سرگرمی را از بعد اخلاقی و به عنوان یک حق اخلاقی بررسی نکرده‌اند و در خصوص جایگاه این حق در منظومه حقوق اخلاقی انسان از نگاه اسلام و علت این جایگاه سخن نرانده‌اند؛ در این آثار به اینکه این حق جزء کدام دسته از حقوق انسان هستند و برخی شرایط اخلاقی بودن سرگرمی‌های مدرن چیست تصریح نشده است و تحقیق پیشرو از این حیث دارای جنبه‌های نوآورانه و بدیع است. برخی از آثار در این زمینه عبارتند از:

- کتاب «سرگرمی رسانه‌ای: رویکردی اسلامی-ارتباطی به سرگرمی در سیمای ملی» نوشته حسین شرف‌الدین که پیش از آن بخش‌هایی از کتاب به صورت مقالاتی به چاپ رسیده است. در این کتاب هرچند موضوعات مورد بحث پیرامون حق سرگرمی از منظر اسلامی نیست ولی به صورت ضمنی در لابه‌لای مطالب به این حق اذعان و شرایطی برای سرگرمی مطلوب بیان شده است.

- کتاب «فراغت، مصرف و جامعه» و نیز کتاب «سبک‌های فراغتی جوانان» نوشته محمدسعید ذکایی که در آن‌ها مؤلف با رویکردی انتقادی به نقد کژکارکردهای فعالیت فراغتی در فرهنگ غربی و ورود این فرهنگ به جامعه ایرانی می‌پردازد؛ در این دو کتاب برخی فواید و ظرفیت‌های اوقات فراغت گفته شده است؛ اما مؤلف سرگرمی را به عنوان یک حق اخلاقی بررسی نکرده است.

- کتاب «شیوه‌های گذران اوقات فراغت با نگرش به منابع دینی» اثر محمدتقی فعالی و

1. Le Dorita La paresse
 2. Paul Lafargue
 3. Joffer Dumazedier
 4. The Theory Of The Leisure Class
 5. Torstein Veblen

عبدالرضا آتشین صدف که به بررسی چیستی و کارکردها و آسیب‌های فعالیت فراغتی و نیز برخی راهکارها برای جلوگیری از آسیب‌های فعالیت فراغت پرداخته است. در این پژوهش نیز مؤلفین سرگرمی را به عنوان یک حق اخلاقی مد نظر قرار نداده‌اند.

روش‌شناسی

روش گردآوری اطلاعات در تحقیق حاضر، کتابخانه‌ای است. در روش کتابخانه‌ای تقریباً تمام تلاش محقق در کتابخانه‌ها است. در این پژوهش از منابع مکتوب و سامانه‌های رایانه‌ای بهره برده می‌شود. ابزار گردآوری اطلاعات فیش‌برداری، سامانه‌های رایانه‌ای شامل اینترنت و نرم‌افزارها هستند.

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات این پژوهش، روش توصیفی تحلیلی است که تحلیل داده‌ها به صورت تحلیل محتوای کیفی است؛ چراکه در این تحقیق متن روایات و متون مختلف اسلامی و غیر اسلامی به صورت غیر کمی تحلیل می‌شوند.

چارچوب مفهومی

برای ورود به بحث، تعریف برخی از مفاهیم کلیدی مانند سرگرمی و حقوق اخلاقی باید روشن شود؛ چراکه برخی اختلافات در خصوص جایگاه حق سرگرمی در منظومه حقوق اخلاقی انسان ناشی از اختلاف در این مفاهیم کلیدی است.

سرگرمی

معادل سرگرمی در زبان انگلیسی واژه Amusemen و واژه Entertainment است. دو معنا برای واژه Amusemen در دیکشنری آکسفورد گفته شده است؛ معنی نخست تجربه و حالت ناشی از یافتن چیزی خنده‌دار و معنی دوم لذت بردن یا ارائه سرگرمی؛ همچنین در این دیکشنری در مورد واژه Entertainment نیز، گفته شده که این واژه به معنی عمل تهیه کردن یا تهیه شدن لذت یا سرگرمی و نیز به معنی یک اجرا یا رخداد طراحی شده برای سرگرمی است. بعضی کارشناسان نیز، در این خصوص گفته‌اند ریشه واژه Entertainment دو کلمه لاتین inter به معانی «در بین» یا «بین» و tenere به معانی «نگهداشتن» است؛ بر این اساس سرگرمی به معنی «نگهداشتن چیزی» یا «نگهداشتن متقابل چیزی» و مربوط به روابط اجتماعی است و خود نوعی رابطه اجتماعی به شمار می‌رود. ایشان در مورد برخی از خصوصیات سرگرمی‌های مدرن گفته‌اند: آن‌ها کالاهایی فرهنگی و فعالیتی غیر جدی و در عین حال آزادانه و بازسازی‌کننده جامعه، با آثار و نتایجی نامشخص و غیرقطعی هستند که معمولاً به انگیزه لذت و آسودگی روح یا ذهن صورت می‌پذیرند (اسملسر و بالت، ۲۰۰۱، ج ۳، صص ۴۵۴۰-۴۵۴۱).

در تحلیل تعریف پیش‌گفته باید گفت هرچند این تعریف، به درستی سرگرمی‌های امروزی و مدرن را توصیف کرده است؛ اما از منظر اسلامی اینکه سرگرمی و بلکه دیگر محصولات

فرهنگی صرفاً کالا باشد، قابل نقد است؛ توضیح اینکه یکی از چالش‌های اخلاقی در عرصه سرگرمی‌های امروزی و مدرن توجه بیش از اندازه به صورت و شکل به جای محتوای آن‌ها است. غالباً این نوع سرگرمی‌ها با هدف ایجاد لذت‌های آنی و سود مادی تولید می‌شوند و از این رو در آن‌ها به جای توجه به ارزش‌های دینی و حقیقی بیشتر به اموری مانند قابل استفاده بودن برای عموم مردم و سلیقه و ذوق همگان توجه می‌شود که این مشکلات، از کم کردن ارزش محصولات فرهنگی به کالاهایی مناسب برای معامله ناشی می‌شود. با توجه به این مطالب می‌توان دریافت تعریف سرگرمی از منظر اسلامی با تعریف و بازشناختی که در جوامع صنعتی و مدرن رایج است تفاوت دارد؛ چراکه برخی عناصر مفهومی سرگرمی مانند کالا دانستن آن، حاوی دیدگاهی در خصوص ارزش‌گذاری سرگرمی است که دیدگاه اسلامی مورد قبول نیست.

برخی در تعریف دیگری، سرگرمی را این‌چنین توصیف کرده‌اند:

[سرگرمی] به مجموعه‌ای از فعالیت‌های اختیاری، انتخابی، تفریحی و غیرانتفاعی اطلاق می‌شود که غالباً با هدف میل به برخی هیجانانگیز مثبت نظیر شادی، لذت، آرامش، خرسندی و ... و دفع برخی انفعالات و هیجانانگیز منفی نظیر غم، افسردگی، اضطراب، فشار روحی و ... و نیز حصول برخی نتایج متوقع همچون تقویت قوای جسمی، خودشکوفایی، کسب مهارت‌های لازم، جبران کمبودها، ارضای حس تنوع‌جویی و ... مورد توجه قرار می‌گیرند. سرگرمی‌ها را گاه به اعتبار ظرف وقوع، فعالیت‌های فراغتی و گاه به اعتبار اثر غالب یا متوقع یعنی فرح‌بخشی، تفریحات نامیده‌اند (شرف‌الدین، ۱۳۹۰، ص ۷۴).

بعضی از عناصر مفهومی سرگرمی که در این تعریف مورد اشاره قرار گرفته‌اند عبارتند از: کارکردها و فواید سرگرمی، قصد شخص سرگرم‌شده از پرداختن به سرگرمی (مانند تمایل به هیجانانگیز مثبت و ...)؛ علاوه بر این، در تعریف مذکور این نکته وجود دارد که گاه فعالیت فراغتی، سرگرمی نیز نامیده می‌شود. از این نکته می‌توان دریافت که بررسی ارتباط و نسبت بین مفهوم سرگرمی با مفهوم فعالیت فراغتی برای تعریف سرگرمی امری مفید و لازم است. در این خصوص با بررسی تعریف‌های متعدد از فعالیت فراغتی، روشن می‌شود در بیشتر این تعریف‌ها، این‌گونه فعالیت‌ها در مقابل یا نقطه مقابل فعالیت‌های کاری به شمار می‌روند (داریتی، ۲۰۰۸، ج ۴، ص ۴۰۸؛ اسملسر و بالت، ۲۰۰۱، ج ۵، ص ۸۷۰۹)؛ بعضی نیز علاوه بر مطلب فوق گفته‌اند فعالیت فراغتی، تفریح برای بازیابی از کار و یا هدف و پاداش کار محسوب می‌شود (اسملسر و بالت، ۲۰۰۱، ج ۵، ص ۸۷۰۹).

نکته اول در مورد این تعاریف، متمایز بودن فعالیت‌های فراغتی از فعالیت‌های کاری است؛ بر این اساس برای روشن شدن مفهوم فعالیت‌های فراغتی، لازم است تعریفی صحیح از فعالیت‌های کاری داده شود که این امر نیز چندان ساده و آسان نیست؛ بر اساس بعضی از تعاریف

به فعالیت‌هایی که در قبال آن دستمزد پرداخت می‌شود کار گفته شده است؛ این در حالی است که بعضی فعالیت‌ها مانند خانه‌داری زنان که بدون مزد است و خدمات مشابه آن در هتل یا شرکت‌های خدماتی که با مزد محسوب می‌شود، مرز فعالیت با مزد و بدون مزد مشخص نیست (رک به: اسملسر و بالت، ۲۰۰۱، ج ۵، ص ۸۷۱۵؛ یارلی و بروس، ۲۰۰۶، ص ۱۷۱؛ سوردام، ۲۰۱۵، ص ۱۱). برای حل این مشکل می‌توان گفت فعالیت‌های کاری فعالیت‌هایی است که از دیدگاه اسلامی، شأنیت پول گرفتن در ازای انجام آن‌ها وجود دارد. به عنوان نمونه به دلیل اینکه از دیدگاه فقه اسلامی، زنان می‌توانند در ازای خانه‌داری، پول دریافت کنند و این شأنیت وجود دارد، چنین فعالیت‌هایی در جامعه اسلامی کار به شمار می‌روند.

نکته دوم در خصوص تعاریف پیش‌گفته در مورد فعالیت فراغتی، ارائه مفهومی مطلق از آن است که شامل تمامی فعالیت‌ها در زمان‌های غیرکاری مثل عبادت کردن، خوردن و خوابیدن، مسئولیت‌های خانوادگی و پرداختن به کارهای منزل و مانند آن می‌شود؛ این در حالی است که به نظر فعالیت‌های مذکور، فعالیت فراغتی محسوب نمی‌شوند و باید بین اوقات فراغت و اوقات آزاد شده از بار کار تفاوت گذاشت. بعضی از محققین با توجه به این تفاوت، اوقات فراغت را به زمان‌هایی غیر از زمان‌های کارهای مربوط به خانه و مراقبت از کودک، کار با دستمزد، زمان رفت و آمد و ساعات نگهداری از بدن تعریف کرده‌اند (سوردام، ۲۰۱۵، ص ۱۶).

نکته سوم در جمع‌بندی از نکات فوق مترادف بودن سرگرمی با فعالیت فراغتی است و به نظر سرگرمی نیز شامل فعالیت‌های کاری و یا مطلق فعالیت‌ها در زمان‌های غیرکاری نمی‌شود. با بهره‌گیری از مطالب پیش‌گفته، سرگرمی‌های امروزی را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: «سرگرمی، یک حالت درونی به همراه فعالیت خارجی در اوقات فراغت و به منزله کالایی تجاری است که به شکل غیرانتفاعی و با اختیار و به مقاصدی مانند رفع خستگی، ایجاد تفریح، تنوع و تفنن، گریز از یکنواختی، شکوفایی فردی و اجتماعی، انجام می‌شود.»

طبق آموزه‌های اسلامی می‌توان سرگرمی را این‌چنین تعریف کرد:

«یک حالت درونی به همراه فعالیت خارجی در اوقات فراغت که با اختیار و بدون شأنیت دریافت دستمزد و به مقاصدی مانند رفع خستگی، ایجاد تفریح، تنوع و تفنن، گریز از یکنواختی، شکوفایی فردی و اجتماعی، انجام می‌شود.»

حقوق اخلاقی

از منظر اسلامی معنای حقیقت از دو جنبه هستی‌شناختی و ارزش‌شناختی قابل بررسی است. از جنبه هستی‌شناختی حق و حقیقت به آنچه وجود دارد گفته می‌شود؛ اما از جنبه ارزش‌شناختی، معنای حق و حقیقت، آن چیزی است که بایسته و لازم است؛ مانند ادای حق دیگران؛ مجازات مجرمان و ... این معنا از حق شامل روابط انسان از جمله روابط اجتماعی، فردی

و ارتباط با خدا می‌شود؛ بر همین اساس، این معنا از حق، شامل بایدها و نبایدهای اخلاقی، احکام فقهی و قوانین حقوقی نیز می‌شود (میرخندان، ۱۳۹۲: ۷۹). در این نوشتار منظور از حق، بعد ارزش‌شناختی آن است که شامل بایدها و نبایدهای اخلاقی نیز می‌شود؛ بنابراین در تعریف حق اخلاقی انسان می‌توان گفت:

«حق اخلاقی انسان هر آن چیزی است که از دیدگاه شرع و عقل، بایسته بهره‌مندی از آن است.»

چند نکته در این تعریف در نظر گرفته شده است:

- حقوق اخلاقی انسان، متمایز از حقوق الهی، حقوق حیوانات و یا سایر موجودات است و محدود به انسان می‌شود.

- شرع و عقل مهم‌ترین منابع اخلاق اسلامی هستند، از این رو در تعریف پیش گفته ذکر شده‌اند.

- آن چیزی که انسان بایسته بهره‌مندی از آن است عمومیت دارد به این معنا که سعادت، قدرت، سود، لذت، احساس خوش، حقوق طبیعی، مدنی و قراردادی، حقوق اولیه و ثانویه انسانی و مانند آن را در برمی‌گیرد.

- آن چیزی که انسان بایسته بهره‌مندی از آن است مواردی را شامل می‌شود که یا بهتر است و ترجیح دارد و یا اینکه لازم است و ضرورت دارد؛ بر این اساس حقوق اخلاقی انسان محدود به الزامات و ضروریات اخلاقی انسان نمی‌شود و آن چیزی که برای انسان بهتر باشد نیز حق اخلاقی به شمار می‌رود.

- آن چیزی که انسان بایسته بهره‌مندی از آن است، علاوه بر بعد ایجابی شامل بعد سلبی نیز می‌شود؛ به عبارت دیگر از منظر اسلامی سلب بعضی از امور از انسان و پرهیز از بعضی کارها نیز، از جمله حقوق اخلاقی انسان و جامعه به شمار می‌رود و بایسته است انسان از این امور پرهیز کند تا به کمال و اهدافی که مدنظر اسلام است برسد.

وجود حق سرگرمی در اخلاق اسلامی

در تاریخچه بحث از حق سرگرمی شاید از شاخص‌ترین مواردی که به سرگرمی به عنوان یک حق اخلاقی توجه شده است، «اعلامیه جهانی حقوق بشر» باشد. این اعلامیه در سال ۱۹۴۸ میلادی، پس از تمام شدن جنگ جهانی دوم و پایه‌گذاری سازمان ملل متحد، توسط کشورهای جهان به تصویب رسید و در آن به آزادی‌ها و حقوق فردی و اجتماعی در حوزه‌های گوناگون فردی، اجتماعی، اقتصادی، قضایی و سیاسی تصریح شده است؛ از جمله حقوقی که در این اعلامیه به آن تصریح شده حق تفریح و استراحت است (کوک، ۱۳۸۷: ۷۴ و ۷۸).

علاوه بر اعلامیه جهانی حقوق بشر، در کنوانسیون حقوق کودک نیز در مورد حق تفریح

کودکان گفته شده که شرکت در فعالیت‌های تفریحی و کارهای فرهنگی-هنری خلاق، یک حق و امری ضروری در حیات فرهنگی و هنری کودک به شمار می‌رود (عبادی، ۱۳۷۸: ۱۲). این مسئله خود نشان از توجه نهادهای بین‌المللی به حق تفریح و سرگرمی برای آحاد بشر و خصوص کودکان دارد.

از منظر اسلامی نیز حق پرداختن به سرگرمی مطلوب به رسمیت شناخته شده است و دلیل آن هم سفارشات است که در این زمینه وجود دارند مانند روایتی از امام علی (ع) که در وصیت به امام حسن (ع) می‌گوید: فرزندم مؤمن باید اوقاتش سه قسمت باشد، قسمتی که در آن با خداوند مناجات می‌کند، قسمتی که در آن به حسابرسی اعمال خود می‌پردازد، قسمتی که در آن به لذت‌های حلال و پسندیده مشغول می‌شود، معیار عمل مؤمن در هر سه بخش باید تأمین زندگی خود، گام برداشتن برای معاد و لذت‌جویی حلال باشد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۸۸).^۱ در این روایت به فعالیت فراغتی که جزئی از لذات حلال محسوب می‌شود، در کنار عبادت و حسابرسی به اعمال خود سفارش شده است که نشان می‌دهد فعالیت فراغتی در کنار این امور ارزش مستقل و جوهری در سبک زندگی اسلامی دارد.

همچنین در خصوص کودکان، امام صادق (ع) در یک دستور تربیتی می‌گوید: فرزندت را رها کن که هفت سال بازی کند و هفت سال تأدیب شود و هفت سال او را همراه خویش گیر پس اگر رستگار گردید که هیچ و گرنه خیری در او نیست. (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ۳: ۴۹۲).^۲ در این روایت به حق بازی برای کودکان توجه شده و این مسئله امری غالبی و لازم برای فرزند دانسته شده است. دلیل اینکه کودک حق بازی دارد می‌تواند امور متعددی باشد از جمله اینکه از دیدگاه روان‌شناسی، بازی کردن کودکان، به آماده‌سازی آنان برای مواجهه با مشکلات می‌انجامد. به همین دلیل هرچه بازی‌ها گسترده‌تر، پیچیده‌تر و اجتماعی‌تر باشد، مصونیت کودکان در برابر مشکلات و آسیب‌ها بیشتر می‌شود. از طریق بازی، کودکان به رشد اجتماعی، عاطفی و جسمی متعادلی دست می‌یابند (شهریزی، ۱۳۸۵، ص ۶۲).

همچنین در برخی کتاب‌های روایی، باب مستقلی در خصوص استحباب بازی کردن با فرزند ذکر شده است که در آن روایاتی در مورد بازی و رفتار بچگانه با فرزند وجود دارد؛ به عنوان مثال پیامبر اکرم می‌فرماید: شایسته است کسی که صاحب کودکی است مانند کودکان با او بازی

۱. يَا بَنِي الْمُؤْمِنِ ثَلَاثُ سَاعَاتٍ سَاعَةٌ يَتَّجَى فِيهَا رَبَّهُ وَ سَاعَةٌ يَخَاسِبُ فِيهَا نَفْسَهُ وَ سَاعَةٌ يَخْلُو فِيهَا بَيْنَ نَفْسِهِ وَ لَدَيْهَا فِيمَا يَجِلُّ وَ يَحْمَدُ وَ لَيْسَ لِلْمُؤْمِنِ بُدٌّ مِنْ أَنْ يَكُونَ شَاحِصًا فِي ثَلَاثٍ مَرَمَّةٍ لِمَعَاشٍ أَوْ حُطْوَةً لِمَعَادٍ أَوْ لَذَّةٍ فِي غَيْرِ مُحَرَّمٍ

۲. دَعِ اِبْنَكَ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ وَ يُوَدِّبُ سَبْعَ سِنِينَ وَ اَلْزِمَهُ نَفْسَكَ سَبْعَ سِنِينَ فَإِنْ اَلْفَحَّ وَ اِلَّا فَإِنَّهُ مِمَّنْ لَا خَيْرَ فِيهِ.

کند (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ۳: ۴۸۳-۴۸۴).^۱

جایگاه حق سرگرمی در اخلاق اسلامی

حقوق اخلاقی انسان انواع مختلفی دارند مثل حقوق اولیه در برابر حقوق ثانویه، حقوق اولیه در برابر حقوق غیرضروری، حقوق طبیعی در برابر حقوق جعلی و غیرطبیعی، حقوق اساسی در برابر حقوق غیراساسی و فرعی، حقوق فطری در برابر حقوق غیر فطری. بعضی از این واژه‌ها اصطلاح به شمار می‌روند و دارای معنایی خاص در علم فلسفه و یا دیگر علوم اسلامی هستند؛ بعضی دیگر از این واژه‌ها نیز صرفاً معنایی عرفی دارند که برای شناخت آن‌ها باید به لغت‌نامه‌ها و آنچه عموم مردم از آن می‌فهمند مراجعه کرد.

حق طبیعی^۲ از قدیمی‌ترین اصطلاحات به کار رفته درباره حقوق انسان و بلکه سایر موجودات است. نظریه حق طبیعی از جمله نظریات شاخصی است که بر پایه بررسی این نوع نیازها شکل گرفته است. این نظریه پیروان نسبتاً متعدد و پرشمار دارد و از سوی صاحب‌نظران از جهات مختلفی نیز، مورد بررسی و نقد قرار گرفته است (برای تفصیل مطالب رک به: پارساپور، ۱۳۸۱: ۱۴۱-۱۵۱). در تعریف این حق اجمالاً می‌توان گفت حقی است که از استعدادی طبیعی ناشی شده است (مطهری، بی‌تا، ۱۹: ۱۵۸) و در برابر آن، حقوقی است که از امری جعلی و قراردادی و خارج از استعدادی طبیعی ناشی شده باشد؛ مثلاً رعایت حق تقدم در هنگام رانندگی یک حق طبیعی محسوب نمی‌شود؛ چراکه این حق از اموری قراردادی و ضرورت‌های اجتماعی ناشی شده است.

حق فطری از جمله اصطلاح دیگر درباره حقوق انسان است. هرچند ممکن است اصطلاح حق طبیعی درباره حق فطری نیز به کار رود؛ اما بین این دو مفهوم تفاوت وجود دارد. این تفاوت ناشی از آن است که واژه فطرت تنها درباره انسان به کار می‌رود و حقوق فطری مختص انسان هستند (مطهری، بی‌تا، ۳: ۴۶۶)؛ بر این اساس حقوق فطری همان حقوق طبیعی انسان هستند؛ که از سایر حقوق قراردادی و جعلی انسان و یا حقوق طبیعی حیوانات و محیط‌زیست متمایزند؛ از این‌رو حق فطری در نسبت به حق طبیعی مفهومی خاص‌تر است. حقوق اساسی از جمله تعابیری است که درباره انواع حقوق استعمال می‌شود؛ این تعبیر دو معنای اصطلاحی و لغوی دارد.

معنای اصطلاحی حقوق اساسی در علم حقوق رایج است و یک شاخه در حقوق عمومی داخلی به شمار می‌رود که این‌گونه تعریف شده است: «[حقوق اساسی] به ضوابط و قواعدی گفته

۱. مَنْ كَانَ عِنْدَهُ ضَبٌّ فَلْيَضِّبْ لَهُ

می‌شود که ناظر بر شخصیت و زندگی سیاسی و اجتماعی انسان بوده و مسئولیت‌های قوای حاکم و وظایف دولت در تأمین حقوق و آزادی‌های سیاسی و اجتماعی افراد ملت را مشخص می‌سازد» (محمودی، ۱۳۸۹: ۳۳).

طبق این تعریف، به نظر می‌رسد تنها در برخی موارد، حق سرگرمی برای انسان‌ها حق اساسی به شمار می‌رود؛ به این دلیل که این تعریف بر روابط نهادهای سیاسی و قوای حاکم با همدیگر که بر خواست جمعی مبتنی است تأکید دارد؛ درحالی‌که سرگرمی بر پایه روابط فردی و خواست شخصی نیز انجام می‌شود. از این رو بر اساس این تعریف نمی‌توان حق سرگرمی را تنها حق اساسی دانست و این اصطلاح از آنچه در این تحقیق مدنظر است، خاص‌تر است.

اما در مورد معنای لغوی، گفته شده واژه اساسی، به معنای اصلی و بنیادی است؛ (عمید، ۱۳۸۹: ۷۱-۷۲) طبق این تعریف، حق اساسی حقوق اصلی و بنیادی است که در برابر آن حقوق فرعی و غیر بنیادی قرار دارد؛ به نظر می‌رسد بنیادی و اصلی بودن و به تبع آن اساسی بودن نیز، امری نسبی است و ممکن است یک حق در مقایسه با حق دیگری، اساسی و در مقایسه با حق دیگری، غیراساسی و فرعی به شمار رود؛ به عنوان نمونه حق تحصیل کردن حقی اساسی در مقایسه با حق رانندگی محسوب می‌شود؛ به این دلیل که برای رانندگی تحصیل یک پیش‌نیاز به شمار می‌رود؛ درحالی‌که همین حق تحصیل، حقی غیراساسی در مقایسه با حق حیات و در واقع ناشی از حق حیات محسوب می‌شود؛ روشن است که بدون زندگی و حیات، تحصیل کردن امکان ندارد؛ بنابراین حق سرگرمی نیز، گاه حق اساسی و گاه فرعی و غیراساسی محسوب شده و این معنا از حق، تصویر چندان واضح و روشنی از آن ارائه نمی‌دهد.

تعبیر دیگر حق اولیه است که به نظر می‌رسد معنای اصطلاحی خاصی ندارد و باید معنای لغوی آن در مورد حق سرگرمی در نظر گرفته شود. در فرهنگ معین گفته شده واژه «اولیه»، به معنای نخستین است؛ (معین، ۱۳۶۰، ۱: ۴۰۶) بر این اساس نخستین و اولین حقوق انسان، حق نخستین یا اولیه محسوب می‌شود و سایر حقوق که ضرورت آن‌ها به واسطه امور دیگر است، حق ثانویه محسوب می‌شود؛ مثلاً حق تکریم انسان‌ها و یا حق حیات از حقوق اولیه به شمار می‌روند و حق سؤال پرسیدن در کلاس درس و مانند آن به جهت آنکه ناشی از امور دیگر هستند، از حقوق ثانویه محسوب می‌شوند. از آنجاکه در این تعریف، حق اولیه در مقایسه با دیگر حقوق معنا شده، به نظر می‌رسد این تعریف نیز، وضوح و روشنی ندارد و حقوق طبق آن امری نسبی هستند.

بر اساس مطالب پیش‌گفته به نظر می‌رسد به کار بردن تعبیر حق فطری در مورد سرگرمی‌ها مناسب‌تر باشد چراکه:

- اصطلاح حقوق طبیعی معنای عامی دارد و حقوق حیوانات و حتی محیط‌زیست را نیز

شامل می‌شود؛ درحالی که اصطلاح حق فطری، در مورد حقوق انسان به کار برده می‌شود و مقصود از سرگرمی در این مقاله نیز سرگرمی‌های انسان است.

- در برخی نظریات منشأ اثبات و قبول حقوق، طبیعی بودن آن دانسته شده و به آنچه در شرع اسلام در این زمینه وجود دارد توجه نشده است؛ اما در اصطلاح حق فطری به معارف اسلامی توجه شده است. بنا بر نظر کارشناسان، قرآن برای نخستین بار، کلمه فطرت را در مورد انسان به کار برده است (مطهری، بی‌تا، ۳: ۴۵۱).

- همچنان که گفته شد حقوق اساسی نیز اصطلاحی خاص محسوب می‌شود که در علم حقوق به کار می‌رود و مفهوم حق سرگرمی از این اصطلاح عام‌تر است.

- تعابیر حق بنیادین، حق اساسی، حق اصلی، حق نخستین، حق اولیه، حق ضروری، حق ذاتی و مانند آن معانی لغوی متنوع و متفاوتی دارند و ممکن است هر گوینده از آن‌ها معنای متفاوتی اراده کند؛ درحالی که حق فطری یک اصطلاح دینی محسوب می‌شود که در منابع دینی می‌توان معنای واضح‌تری برای آن جست.

به مطالب فوق باید افزود که امروزه احساس نیاز به سرگرمی به صورت غیرواقعی افزایش یافته و موجب شده دیگر ساحت‌های زندگی انسان مانند امور کاری، وظایف اجتماعی و مذهبی و امثال آن مورد بی‌توجهی قرار بگیرند که این مسئله از دیدگاه اسلامی مورد انتقاد است (رک به: باهنر و شرف‌الدین، ۱۳۹۱: ۱۸۴). در این زمینه یک دسته روایات در مورد تقسیم اوقات به چند بخش وجود دارد که در همگی آن‌ها گفته شده یک قسمت از اوقات را باید به لذات حلال (شامل سرگرمی‌ها) اختصاص داد. بررسی این روایات می‌تواند جایگاه حق سرگرمی در منظومه حقوق اخلاقی انسان را از منظر اسلامی بیشتر روشن کند. در ادامه این روایات به تفصیل بررسی می‌شود.

روایت اول که رسول اکرم (ص) در آن به ابوذر غفاری می‌گوید: بر خردمند لازم است که اوقات روزانه‌اش را به چند بخش قسمت کند: ساعتی که در آن با خداوند مناجات نماید، ساعتی که در آن نفس خود را محاسبه کند، ساعتی برای تفکر درباره آفرینش خداوند و ساعتی از آن را برای بهره‌جویی از حلال قرار می‌دهد و این ساعت کمک ساعت‌های دیگر است و مایه آرامش و آسایش قلب می‌شود و او را آماده می‌نماید (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۵۲۵).^۱

در این روایت به این مطلب اشاره شده که پرداختن به فعالیت‌های فراغتی مطلوب، موجب

۱. عَلَى الْعَاقِلِ مَا لَمْ يَكُنْ مَعْلُوبًا عَلَى عَقْلِهِ أَنْ يَكُونَ لَهُ سَاعَاتُ سَاعَةِ يَنَاجِي فِيهَا رَبَّهُ تَعَالَى وَ سَاعَةٌ يَحَاسِبُ فِيهَا نَفْسَهُ وَ سَاعَةٌ يَتَفَكَّرُ فِيهَا صَنَعَ اللَّهُ وَ سَاعَةٌ يَخْلُو فِيهَا بِحِطِّ نَفْسِهِ مِنَ الْخَلَالِ فَإِنَّ هَذِهِ السَّاعَةَ عَوْنٌ لِيَتَلَكَّ السَّاعَاتِ وَ اسْتِيْجْمَامُ اللَّقُوبِ وَ تَوَزِيْعُ لَهَا.

می‌شود سایر فعالیت‌ها، از جمله فعالیت مهمی مانند مناجات با خدا بهتر انجام شود؛ از این رو می‌توان گفت این روایت به ضرورت پرداختن به فعالیت‌های فراغتی و تفریحات تا جایی که موجب غفلت از سایر فعالیت‌های انسان نشود، اشاره دارد؛ همچنین طبق این روایت، سرگرمی مطلوب، حلال است و فواید متعددی دارد مانند اینکه مایه تقویت و تجدیدقوا برای پرداختن به سایر فعالیت‌های مهم انسان و آرامش‌دهی است؛ نکته قابل توجه در خصوص این روایت، ثبت متفاوت آن در کتب روایی است. دو ثبت مهم و اصلی در این خصوص، در کتاب خصال و کتاب معانی الأخبار آمده است؛ طبق نسخه کتاب خصال (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۵۲۵)، عبارت «تَوَزِيحُ كَلْبِهَا» در انتهای روایت، به معنی دل‌ها را آماده می‌سازد، ذکر شده است که به اهمیت حق سرگرمی به علت تأثیرگذاری بر تجدیدقوا اشاره دارد. در نسخه کتاب معانی الأخبار (ابن بابویه، ۱۴۰۳، ص ۳۳۴) به جای عبارت فوق، عبارت «تَفْرِیحُ كَلْبِهَا» در انتهای روایت، به معنی دل‌ها را آسوده و فارغ می‌کند آمده است که نشان می‌دهد حق سرگرمی به خاطر ایجاد آرامش ضرورت و اهمیت دارد. در هر دو کتاب قبل از عبارت انتهایی روایت، عبارت «سَتَجِئُكُمْ بِالْقُلُوبِ» به معنی مایه آسایش و آرامش قلوب بودن، ثبت شده است؛ بر این اساس طبق هر سه تعبیر به تأثیر سرگرمی‌های مطلوب در آرامش‌دهی و تجدیدقوا، اشاره شده است.

اثر دیگر سرگرمی که این روایت به آن اشاره دارد خودشکوفایی انسان است؛ چراکه در این روایت سرگرمی یک مقدمه لازم و ضروری برای فعالیت‌های مهم دیگر انسان از جمله مناجات با خدا، ارزیابی و محاسبه نفس و فکر کردن در مورد آفرینش برشمرده شده و روشن است این فعالیت‌ها نقش مهمی در شکوفا کردن استعدادهای حقیقی انسان دارند.

روایت دوم بخشی از وصیت امام علی (ع) به امام حسن (ع) است که ایشان می‌گویند: فرزندان مؤمن باید اوقاتش سه قسمت باشد، قسمتی که در آن با خداوند مناجات می‌کند، قسمتی که در آن به حسابرسی اعمال خود می‌پردازد، قسمتی که در آن به لذت‌های حلال و پسندیده مشغول می‌شود، معیار عمل مؤمن در هر سه بخش باید تأمین زندگی خود، گام برداشتن برای معاد و لذت‌جویی حلال باشد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۸۸).^۱

در این روایت نیز مانند روایت قبل، به اهمیت این اوقات به عنوان بخشی از سبک زندگی اسلامی تصریح شده است با این تفاوت که یک بخش (ساعتی برای تفکر درباره آفرینش خداوند) از فعالیت‌های هم‌ردیف لذات حلال و اثرات آرامش‌دهی و تجدیدقوا به وسیله این لذات

۱. يَا بَنِي الْمُؤْمِنِ ثَلَاثُ سَاعَاتٍ سَاعَةٌ يَنَاجِي فِيهَا رَبَّهُ وَ سَاعَةٌ يَخَاسِبُ فِيهَا نَفْسَهُ وَ سَاعَةٌ يَخْلُو فِيهَا بَيْنَ نَفْسِهِ وَ لَدَّتَيْهَا فِيمَا يَجِلُّ وَ يَحْمَدُ وَ لَيْسَ لِلْمُؤْمِنِ بُدٌّ مِنْ أَنْ يَكُونَ شَاخِصًا فِي ثَلَاثٍ مَرْمَةِ لِمَعَاشِي أَوْ حُطُوءَ لِمَعَادٍ أَوْ لَدَّةٍ فِي غَيْرِ مُحَرَّمٍ

ذکر نشده و به جای آن معیار عمل مؤمن در تمامی اوقاتش بیان شده است که این معیارها با تقسیم‌بندی روایت اول سازگاری دارد و شامل آن‌ها نیز هست و تعارضی بین دو روایت وجود ندارد.

در این روایت نیز این مطلب ثابت می‌شود که نباید بیش از اندازه به سرگرمی و یا سایر لذات حلال پرداخت؛ چراکه با معیارهای بیان شده منافات دارد و موجب آسیب دیدن امور مربوط به تأمین زندگی مانند وظایف کاری، خانوادگی، اجتماعی و امثال آن و نیز فراموشی معاد و وظایف دینی می‌شود.

همچنین در این روایت علاوه بر واژه «یحلی» (حلال شده) واژه «یحمد» به معنی آنچه مورد پسند قرار گرفته، به کار برده شده است. با دقت در معنی این واژه روشن می‌شود که یکی از شاخصه‌های اخلاقی برای مطلوبیت لذات که از جمله آن‌ها سرگرمی‌ها هستند، پسندیده بودن نزد عموم عقلا است.

روایت سوم از امام موسی کاظم (ع) است که بخشی از این روایت با تفاوت کم و بدون ثمره‌ای قابل اعتنا در موضوع این بحث از امام رضا (الامام الرضا، ۱۴۰۶، ص ۳۳۷) نیز نقل شده است.

امام کاظم در این روایت می‌فرماید: بکوشید اوقات خود را به چهار بخش تقسیم کنید: اوقاتی برای مناجات با خدا، اوقاتی برای امرارمعاش و کار، اوقاتی برای انس و معاشرت با دوستانی که عیوب شما را به شما بگویند و در دوستی خود اخلاص دارند و اوقاتی برای بهره‌جویی از لذات حلال، با این بخش اخیر برای انجام امور آن سه وقت دیگر توانایی می‌یابید [...] برای خودتان بهره‌ای از دنیا قرار دهید، یعنی از حلالی که دوست می‌دارید و به شرافت شما آسیبی نمی‌رساند و اسراف در آن نیست، استفاده کنید و به مدد این حلال به وظایف دینی خود برسید، چه روایت شده است که: «از ما نیست کسی که دنیایش را برای دینش، یا دینش را برای دنیایش از دست بدهد» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ۴۰۹-۴۱۰).^۱

این روایت نسبت به دو روایت پیش کمی مفصل‌تر است و در آن دو بخش از فعالیت‌های هم‌ردیف لذات حلال بیشتر آمده است؛ یعنی اوقاتی برای امرارمعاش و کار، اوقاتی برای انس و معاشرت با دوستان. این دو بخش با آنچه به عنوان معیار رفتارهای مؤمن در روایت دوم یعنی

۱. اجْتَهِدُوا فِي أَنْ يَكُونَ زَمَانُكُمْ أَرْبَعِ سَاعَاتٍ لِمُنَاجَاةِ اللَّهِ وَ سَاعَةً لِأَمْرِ الْمَعَاشِ وَ سَاعَةً لِمُعَاشَرَةِ الْإِخْوَانِ وَ الثَّقَاتِ الَّذِينَ يَعْرِفُونَكُمْ غُيُوبَكُمْ وَيَخْلِصُونَ لَكُمْ فِي الْبَاطِنِ وَ سَاعَةً تَحْلُونَ فِيهَا لِلدَّائِكُمْ فِي غَيْرِ مُحَرَّمٍ وَ يَهْدِيهِ السَّاعَةُ تَقْدِيرُونَ عَلَى الثَّلَاثِ سَاعَاتٍ. اجعلوا لأنفسكم حظاً من الدنيا بإعطائها ما تشتهي من الحلال و ما لا يئلم المرءة و ما لا سرف فيه؛ و استعينوا بذلك على أمور الدين، فإنه روى: «ليس من ترك دنياه لدينه، أو ترك دينه لدنياه»

تأمین زندگی، گام برداشتن برای معاد ذکر شد همپوشانی دارد و از مصادیق آن محسوب می‌شود. همچنین برخی از فعالیت‌های هم‌ردیف لذات حلال مانند ساعات محاسبه نفس و ساعات تفکر درباره آفرینش خداوند در این روایت ذکر نشده است که اصطلاحاً با روایات گذشته تعارض ندارد و مقصود توجه به همه این امور است.

توجه به فرهنگ تولید و کار به جای فرهنگ مصرف و فراغت از جمله دغدغه‌های منتقدان و دلسوزان جوامع امروزی است (رک به: ذکایی، ۱۳۹۱). روایت فوق بیش از دو روایت پیش به این مسئله تصریح دارد که جایگاه حق سرگرمی تا حدی است که به اموری کاری انسان آسیب نزند. همچنین طبق این روایت پرداختن به سرگرمی موجب افزایش توانایی و بهره‌وری فرد در پرداختن به سایر فعالیت‌ها از جمله فعالیت‌های شغلی می‌شود. روشن است که افزایش توانایی و بهره‌وری فرد در پرداختن به فعالیت‌های شغلی، در توسعه اقتصادی تأثیر قابل ملاحظه‌ای دارد. امروزه صنعت سرگرمی دارای ظرفیت‌های فراوان اقتصادی است و از این روایت می‌توان فهمید از منظر اسلامی نیز امکان استفاده درست از این صنعت وجود دارد.

به غیر از نکات فوق این روایت برخی شرایط را برای مطلوب بودن سرگرمی بیان کرده است، از جمله اینکه حلال باشد و موجب آسیب زدن به کرامت انسان نشود و به تجدیدقوا برای پرداختن به سایر فعالیت‌های مهم انسان کمک کند.

نتیجه گیری

سرگرمی نه به عنوان یک کالای قابل معامله بلکه به عنوان حالت نفسانی و فعالیت خارجی در هنگام فراغت و بیکاری است که آثاری چون ایجاد شادی، نشاط، لذت، آرامش و همچنین دفع اموری چون غم و افسردگی، اضطراب و فشار روحی دارد.

حق برخورداری از سرگرمی و پرداختن به آن یکی از حقوق اخلاقی انسان است و دین اسلامی نیز آن را تأیید کرده و روایات متعدد در سفارش به سرگرمی‌ها و بازی‌های مطلوب گواه بر آن است و این‌گونه نیست که اگر انسانی سایر دستورات دینی را انجام دهد نیاز به سرگرمی نداشته باشد و یا این نیاز اندک باشد.

حق برخورداری از سرگرمی و پرداختن به آن از جمله حقوق فطری انسان محسوب می‌شود با تعابیر دیگری از جمله حقوق طبیعی، حقوق اساسی، حقوق اولیه نیز از آن یاد می‌شود؛ بر این اساس هرچند استفاده روزافزون از سرگرمی‌ها گاه به صورت کاذب و خارج از محدوده نیازهای واقعی انسان است؛ اما به نظر می‌رسد اصل نیاز به سرگرمی در طبیعت انسان و در تمام طول حیاتش وجود دارد.

جایگاه و اهمیت حق سرگرمی در منظومه حقوق اخلاقی از نگاه اسلامی از این جهت است که سرگرمی موجب اموری چون ایجاد آرامش و تجدیدقوا، شکوفایی استعدادها، ایجاد توسعه اقتصادی می‌شود.

سرگرمی‌های مدرن و متعارف امروزی برای اینکه حق اخلاقی انسان محسوب شوند باید حلال و عقلانی باشند و به کرامت انسان آسیب نرسانند.

از منظر اسلامی جایگاه حق برخورداری از سرگرمی و پرداختن به آن در منظومه حقوق اخلاقی انسان تا جایی است که به مسئولیت‌های اساسی انسان از جمله مسئولیت‌های کاری، اجتماعی، خانوادگی، سیاسی و در رأس آن‌ها مسئولیت‌های دینی آسیب نزنند و موجب تجدیدقوا برای این مسئولیت‌ها شود.

فهرست منابع

قرآن کریم.

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۶۲)، *الخصال*، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۴۰۳)، *معانی الأخبار*، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۴۱۳)، *من لایحضره الفقیه*، (علی‌اکبر غفاری، مصحح) قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، (۱۴۰۴)، *تحف العقول*، (علی‌اکبر غفاری، مصحح) قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۵. الامام الرضا، علی بن موسی، (۱۴۰۶)، *فقه الرضا*، مشهد: موسسه آل‌البیت (ع).
۶. باهنر، ناصر و شرف‌الدین، سید حسین، (تابستان ۱۳۹۱)، «*تکاپوی نظری برای کشف مواضع هنجاری اسلام درباره سرگرمی*»، معرفت فلسفی، شماره ۳۶، ص ۱۵۷ - ۱۹۴.
۷. پارساپور، محمدباقر، (۱۳۸۱)، پاییز و زمستان، «*نظریه حقوق طبیعی*»، پژوهش‌های فلسفی کلامی، ص ۱۴۱ - ۱۵۱.
۸. جمعی از پژوهشگران، (۱۳۸۷)، *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم‌السلام*، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی.
۹. دومازديه، ژوفر، (۱۳۵۲)، «*زمان فراغت از دیدگاه تاریخی و جامعه‌شناسانه*»، (م. آدینه، مترجم) *فرهنگ و زندگی*، ص ۱۲ - ۲۳.
۱۰. ذکایی، محمدسعید، (۱۳۹۱)، *فراغت، مصرف و جامعه: گفتارهای انتقادی*، تهران: انتشارات تیسار.
۱۱. شهروزی، فرحناز، (۱۳۸۵)، «*آموزه‌های تربیتی پیامبر اسلام*»، کیهان فرهنگی، شماره ۲۴۵، صص ۶۰ - ۶۳.
۱۲. شهیدی، هاشم، (۱۳۸۷)، تابستان، «*بررسی تأثیر ویژگی‌های خانوادگی بر چگونگی گذران اوقات فراغت فرزندان در کوی‌های سازمانی*»، مدیریت نظامی، ص ۳۵ - ۱۰۲.
۱۳. عبادی، شیرین، (۱۳۷۸)، آبان، «*کنوانسیون حقوق کودک و حقوق کودکان در ایران*»، آزما، ص ۱۲ - ۱۳.
۱۴. عمید، حسن، (۱۳۸۹)، *فرهنگ عمید*، تهران: اشجع با همکاری میکائیل.
۱۵. کوک، سارا، (۱۳۸۷)، تیر، «*حقوق بشر آمریکا در آینه اعلامیه جهانی حقوق بشر*»، سیاحت غرب، ص ۷۴ - ۷۸.

۱۶. محمودی، عبدالحسین، (۱۳۸۹)، *حقوق اساسی جمهوری اسلامی*، بابل: موج اندیشه.
۱۷. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳)، *بحارالانوار*، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۱۸. مطهری، مرتضی، (بدون تاریخ)، *مجموعه آثار شهید مطهری*، تهران: انتشارات صدرا.
۱۹. معین، محمد، (۱۳۶۰)، *فرهنگ فارسی معین*، (جلد اول)، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۲۰. میرخندان، سید حمید، (۱۳۹۲)، *مطالعات دینی فیلم*، تهران: بنیاد سینمایی فارابی.

منابع انگلیسی

1. Smelser, Neil & Baltes, Paul, (2001) *International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences*, Elsevier Science.
2. Bruce, Steve & Yearley, Steve, (2006) *The SAGE Dictionary of Sociology*, SAGE Publications, London.
3. Darity, William, (2008) editor in chief, *International Encyclopedia of the Social Sciences*, 2nd edition, Macmillan Reference USA, Farmington Hills.
4. Surdam, David George, (2015) *Century of the Leisured Masses Century of the Leisured Masses Entertainment and the Transformation of Twentieth-Century America*, Oxford University Press, New York.